



تاریخ و سیره

امام صادق علیه السلام  
شناخت نامه

دکتر حسین حسینیان مقدم



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
زمستان ۱۴۰۲

حسینیان مقدم، حسین، ۱۳۴۰ -

-1961, Hosseinian Muqaddam, Hossein

امام صادق (علیه السلام)؛ شناخت نامه: تاریخ و سیره/ حسین حسینیان مقدم؛ ویراستار محمد سالم محسنی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.

هشت، ۳۲۰ ص - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۷۱۴: تاریخ اسلام؛ ۱۴۷)  
بها: ۲۵۶۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-501-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه، ص. [هشت]-۳۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.

۱. جعفر بن محمد، (علیه السلام)، امام ششم، ۸۳-۱۴۸ ق. - سرگذشتنامه، ۲. Jafar ibn Muhammad, Imam VI -- Biography  
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

BP۴۵ ۲۹۷/۹۵۵۳

۹۵۰۹۵۹۵

شماره کتابشناسی ملی



## امام صادق (علیه السلام)؛ شناخت نامه

مؤلف: دکتر حسین حسینیان مقدم (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار: محمد سالم محسنی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرای: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۵۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۰۱-۹

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۱۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به‌عنوان منبع درسی برای رشته‌های تاریخ اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام) در مقطع کارشناسی ارشد فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی و دیگر مراکز علمی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین حسینیان مقدم و نیز از ارزیابان گرانمایه، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین عزیزی و دکتر نعمت‌الله صفری سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱

### فصل اول: کلیات

۱-۱. طرح تحقیق.....	۹
۲-۱. مفهوم‌شناسی پژوهش.....	۹
۱-۲-۱. امام.....	۱۰
۲-۲-۱. اهل بیت.....	۱۰
۳-۲-۱. تاریخ.....	۱۲
۴-۲-۱. سیره.....	۱۳
۵-۲-۱. سیره‌نگار.....	۱۹
۳-۱. پیشینه.....	۲۰
۴-۱. منابع تحقیق.....	۳۲
۱-۴-۱. منابع حدیثی.....	۳۴
۲-۴-۱. منابع تاریخی.....	۳۸
۱-۲-۴-۱. تواریخ عمومی.....	۳۹
۲-۲-۴-۱. تواریخ محلی.....	۴۰
۳-۲-۴-۱. وقایع‌نگاری.....	۴۱
۴-۲-۴-۱. تواریخ ائمه اطهار (علیهم‌السلام).....	۴۱
۵-۲-۴-۱. تواریخ فرهنگ‌نامه‌ای.....	۴۲
۶-۲-۴-۱. منابع تراجمی.....	۴۳
۵-۱. دشواری‌های پژوهش.....	۴۴

### فصل دوم: ویژگی‌های فردی و احوال شخصی

۱-۲. تولد..... ۴۷

۴۹	۲-۲. تبارشناسی.....
۵۸	۲-۲-۱. ایرانی تبار بودن مادر امام صادق (ع).....
۶۱	۲-۳. نام، کنیه و القاب.....
۶۵	۲-۳-۱. لقب صادق.....
۶۹	۲-۴. شمایل شناسی.....
۷۴	۲-۵. بستگان امام صادق (ع).....
۷۵	۲-۵-۱. همسران امام صادق (ع).....
۸۰	۲-۵-۲. فرزندان امام صادق (ع).....
۸۱	۲-۵-۲-۱. گونه شناسی نام های فرزندان امام صادق (ع).....
۸۳	۲-۵-۲-۲. زندگانی برخی فرزندان.....
۸۸	۲-۵-۲-۳. فرزندخوانده امام صادق (ع).....
۹۰	۲-۵-۳. نوادگان امام صادق (ع).....
۹۳	۲-۵-۳-۱. لقب جعفری و مرادف های آن.....
۹۳	الف) لقب دودمانی.....
۹۶	ب) لقب مذهبی.....
۹۷	ج) لقب مکانی.....
۹۹	۲-۵-۴. موالیان امام صادق (ع).....
۱۰۰	۲-۵-۴-۱. مردان.....
۱۰۸	۲-۵-۴-۲. زنان.....
۱۰۹	۲-۶. اصحاب و راویان امام صادق (ع).....
۱۰۹	۲-۶-۱. مفهوم صحابی.....
۱۱۳	۲-۶-۲. تعداد صحابیان امام صادق (ع).....
۱۱۸	۲-۶-۳. تنوع جغرافیایی اصحاب امام صادق (ع).....
۱۱۹	۲-۶-۳-۱. صحابیان عراقی.....
۱۲۰	۲-۶-۳-۲. صحابیان حجاز و یمن.....
۱۲۰	۲-۶-۳-۳. صحابیان ایران.....
۱۲۰	۲-۶-۳-۴. صحابیان مصر و شام.....
۱۲۰	۲-۶-۳-۵. صحابیان مشرقی و مغربی.....
۱۲۱	۲-۶-۴. تنوع شغلی اصحاب امام صادق (ع).....
۱۲۶	۲-۶-۴-۱. گونه های مشاغل اصحاب.....
۱۲۶	الف) مشاغل تجاری.....
۱۲۸	ب) مشاغل تولیدی-صنعتی.....
۱۳۰	ج) مشاغل درمانی.....
۱۳۰	د) مشاغل فرهنگی.....
۱۳۰	ه) مشاغل اداری.....

۱۳۰	..... (و) مشاغل ساختمانی.....
۱۳۰	..... (ز) شغل صرافی.....
۱۳۱	..... ۵-۶-۲. تنوع فکری اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> .....
۱۴۶	..... ۶-۶-۲. تنوع علمی اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> .....
۱۴۷	..... ۱-۶-۶-۲. محدثان صحابی.....
۱۴۹	..... ۲-۶-۶-۲. فقیهان صحابی.....
۱۵۱	..... ۳-۶-۶-۲. مفسران و ادیبان صحابی.....
۱۵۴	..... ۴-۶-۶-۲. متکلمان صحابی.....
۱۵۵	..... ۵-۶-۶-۲. تاریخ‌نویسان صحابی.....
۱۵۷	..... ۷-۶-۲. تنوع تصدی‌گری اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۷	..... ۸-۶-۲. تنوع جنسیتی اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۷	..... ۱-۸-۶-۲. تنوع جایگاه بانوان صحابی.....
۱۶۲	..... ۲-۸-۶-۲. تنوع روایات بانوان صحابی.....
۱۶۳	..... ۷-۲. سال‌شمار حوادث زندگانی.....
۱۶۳	..... ۱-۷-۲. امام صادق <small>علیه السلام</small> در دوره پدر و جد.....
۱۶۶	..... ۲-۷-۲. امام صادق <small>علیه السلام</small> در دوره امامت.....
۱۶۶	..... ۸-۲. شهادت امام صادق <small>علیه السلام</small> .....
۱۷۶	..... ۹-۲. وصیت‌های امام صادق <small>علیه السلام</small> .....
۱۷۷	..... ۱-۹-۲. بیان وصایای لقمان.....
۱۷۷	..... ۲-۹-۲. وصایای اخلاقی-عبادی.....
۱۸۲	..... ۳-۹-۲. وصیت سرپرستی میراث و کودکان.....
۱۸۲	..... ۴-۹-۲. وصیت جانشینی.....
۱۹۱	..... ۱-۴-۹-۲. جانشینی و مسئله بداء.....

### فصل سوم: امامت

۱۹۵	..... ۱-۳. نشانه‌شناسی امامت.....
۱۹۷	..... ۲-۳. نشانه‌های جانشینی امام صادق <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۸	..... ۱-۲-۳. تصریح به امامت.....
۱۹۹	..... ۲-۲-۳. میراث امامت.....
۱۹۹	..... ۱-۲-۲-۳. دانش.....
۲۰۲	..... ۲-۲-۲-۳. سلاح.....
۲۰۶	..... ۳-۳. معجزات و فضائل.....
۲۱۷	..... ۴-۳. امام صادق <small>علیه السلام</small> در نگاه خود.....
۲۱۹	..... ۵-۳. امام صادق <small>علیه السلام</small> در نگاه و آثار اهل سنت.....
۲۱۹	..... ۱-۵-۳. جایگاه امام صادق <small>علیه السلام</small> نزد معاصران حضرت.....

۲۲۰	..... ۳-۵-۱-۱. ابوحنیفه، نعمان بن ثابت بن رُوَظَى بن ماه (۸۰-۱۵۰ق).
۲۳۰	..... ۳-۵-۱-۱. موضع ابوحنیفه در برابر تقد امام <small>علیه السلام</small> .
۲۳۰	..... الف) عدم بیان موضع گیری ابوحنیفه.
۲۳۱	..... ب) مقاومت در برابر آرای امام <small>علیه السلام</small> .
۲۳۲	..... ج) پذیرش فتوای امام <small>علیه السلام</small> .
۲۳۳	..... ۳-۵-۱-۲. اخبار لعن بر ابوحنیفه.
۲۳۹	..... ۳-۵-۱-۲. مالک بن انس بن مالک ابو عبدالله اَصْبَحَى (۹۳-۱۷۹ق).
۲۴۳	..... ۳-۵-۱-۳. عبدالله بن شُبْرُمَه صَبَّی (۷۲-۱۴۴ق).
۲۴۴	..... ۳-۵-۱-۴. ابن ابی لیلی محمد بن عبدالرحمن (۷۴-۱۴۸ق).
۲۴۵	..... ۳-۵-۱-۵. عَمْرُو بن عُبَیْد بصری (۸۰-۱۴۴ق).
۲۴۸	..... ۳-۵-۱-۶. سفیان ثوری ابو عبدالله (۹۷-۱۶۱ق).
۲۵۰	..... ۳-۵-۲. رابطه دانش با امامت امام <small>علیه السلام</small> در منظر عامه.
۲۵۲	..... ۳-۵-۳. امام صادق <small>علیه السلام</small> در آثار حدیثی اهل سنت.
۲۵۸	..... ۳-۵-۴. جایگاه امام صادق <small>علیه السلام</small> نزد مؤلفان سده اخیر.
۲۶۰	..... ۳-۵-۶. امام صادق <small>علیه السلام</small> در نگاه خاورپژوهان.
۲۶۴	..... ۳-۶-۱. نگاه علمی-اخلاقی خاورپژوهان به امام صادق <small>علیه السلام</small> .
۲۶۷	..... ۳-۶-۲. نگاه سیاسی-مذهبی خاورپژوهان به امام صادق <small>علیه السلام</small> .
۲۷۳	..... پیشنهادهای تحقیق.
۲۷۷	..... کتابنامه.

### نمایه‌ها

۳۰۵	..... نمایه اشخاص.
-----	--------------------



## پیشگفتار

بعثت رسول خدا ﷺ به عنوان مهم‌ترین رخداد تاریخ بشر و پایان‌بخش نبوت و نیز امامت به عنوان مهم‌ترین موضوع پس از رحلت آن حضرت، به ادله مختلفی همواره مورد توجه بوده است. بررسی سیره نبوی و سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در ادوار مختلف و زوایای متفاوت، نشان‌دهنده این توجه است؛ به‌ویژه که در قلمرو درون‌دینی و درون‌مذهبی، رابطه مردم با آنان رابطه پیروی و اطاعت است؛ رابطه‌ای که سبب می‌شود تا همواره نگارش درباره سیره معصومان (علیهم‌السلام) استمرار یابد و به تناسب، لایه‌های جدیدی از زندگانی آن حضرات ارائه شود.

براساس وجود رابطه اطاعت و پیروی، هدف تاریخ‌پژوهان در سیره معصومان (علیهم‌السلام) کشف رخدادها و دست‌کم نزدیک شدن به واقعیات تاریخی در زندگانی آن حضرات است و از تحمیل ذهنیات خود و اقتضائات زمانی به زندگانی آنان پرهیز دارد. به تعبیر دیگر، سیره‌پژوهی در این عرصه تلاشی است برای دسترسی یا نزدیک شدن به واقعیت گذشته تا سیره‌پژوهان و دیگران براساس آن یافته‌ها از معصومان (علیهم‌السلام) پیروی کنند، نه اینکه با تحمیل آرای خود برای پیشوایان بزرگ سبک زندگی تعیین نمایند.

طبیعی است برای رسیدن به این هدف بزرگ، باید به صورت بی‌وقفه و بدون سوگیری‌های احساسی و مقطعی تلاش کرد و از همه ظرفیت‌های پژوهشی بهره برد. این ظرفیت‌ها در قلمرو سیره‌پژوهی گرچه بیشتر به منابع مکتوب محدود است، اما به منابع تاریخی منحصر نیست و منابع حدیثی، کلامی، رجالی، تفسیری، محلی و فرهنگ‌نامه‌ای را شامل می‌شود.

از آنجاکه شیوه علوم نقلی بازگویی و گزارش است، به‌طور معمول، اخبار پیشینی بر اخبار پسینی و منابع اختصاصی بر منابع عمومی ترجیح دارد و گزاره‌های صرفاً یادشده در قرون

میانی، به‌ویژه متأخر، با دلواپسی بیشتری مطالعه می‌شود. برای رسیدن به گفتار و کردار معصومان (علیهم السلام) ضروری می‌نماید که مجموع اسناد و قرائن، از جمله بسترها و زمینه‌های تاریخی در کنار یکدیگر بررسی و تحلیل شوند. شهرت‌گریزی، شهرت‌پذیری و وثاقت اسنادی به‌تنهایی کارگشا نیستند، گرچه نباید فهم مخاطبانِ خبر و نسل‌های پسینی را از آن خبر نادیده گرفت. در مواردی، وجود گزاره‌ای در یک منبع معتبر<sup>۱</sup> یا درستی یک سند نیز به‌تنهایی و بدون توجه به شواهد بیرونی، راهی برای رسیدن به رخداد‌های گذشته نیست، همان‌گونه که سند ضعیف لزوماً نشانه جعلی بودن خبر نیست و حتی اخبار جعلی نیز در بستر تاریخی خود، درخور بررسی و تحلیل‌اند؛ بنابراین، در شیوه‌فراسنده‌ی یا به‌تعبیری، موثوق‌الصدوری، درک واقعیت گذشته در سند منحصر نمی‌شود.

برخی فقیهان نیز این شیوه را در فقه‌پژوهی ترجیح داده، نهی از فراگیری دین از غیر شیعه را به موارد احتمال خیانت و دروغ‌راوی تفسیر کرده و فساد اعتقادی راوی را از قابل‌اعتماد بودن وی تفکیک نموده‌اند. شاهد آنکه آنان در نقل حدیث، به عامی‌مذهبان و برخی فطحی‌مذهبان اعتماد کرده‌اند. شاهد گویای ترجیح این روش، استناد همه فقیهان شیعه، به حدیث نبوی «عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذَتْ حَتَّى تُؤَدِّيَ» است؛ درحالی‌که آن را فقط عامی‌مذهبان از سَمْرَةَ بِنْتُ جُنْدَبِ فَزَارِي (م. از ۵۸-۶۰ ق) روایت کرده‌اند.<sup>۲</sup> سَمْرَةَ از (بدترین) صحابیان رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بود و حضرت به جهنمی بودن وی اشاره کرد و او کُشتار هفتاد هزار نفر را در دوران استانداری زیادبن ابیه در کارنامه خود ثبت نمود.<sup>۳</sup>

گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پس از نیازسنجی پژوهشی و دریافت خلأهای پژوهشی در این زمینه، کلان‌طرح تاریخ و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) را در دستور کار قرار داد و طرح

۱. برخی به همه روایات کتاب کافی اعتماد دارند و حتی نقد سندی آنها را کار ناتوانان می‌شمارند. آیت‌الله خوبی (معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۷۹-۸۶) این نظریه را به تفصیل بررسی کرده و باطل دانسته است؛ افزون‌بر اینکه این شیوه برای کشف واقعیت بیرونی در تحقیقات تاریخی ناکارآمدتر است.

۲. «مَدَارِ الْحِجَةِ عِنْدَهُمْ عَلَى مُجَرَّدِ كَوْنِ الْخَبْرِ مَوْثُوقُ الصُّدُورِ» (بروجردی نجفی، نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۱۳۵).

۳. «أَخْرَجَهُمْ مَوْتًا فِي النَّارِ» و «قُتِلَ بِهَا سَبْعُونَ أَلْفًا» (ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۴).

تاریخ و سیره امام صادق علیه السلام آخرین طرح برجامانده از آن کلان طرح بود، که افتخار نگارش آن نصیب بنده شد.

براساس آن کلان طرح، زندگانی هر امام به پنج محور شناخت‌نامه، سیره سیاسی، سیره علمی، سیره اجتماعی و سیره اقتصادی تقسیم شد. در این کلان طرح، سیره اخلاقی- تربیتی و خانوادگی عنوان مستقلی نیافت؛ زیرا اخلاق و تربیت در همه ابعاد زندگی ائمه اطهار علیهم السلام جاری و بر آنها حاکم است و نمی‌تواند هم‌راستای سیره‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد، بلکه باید در همه ابعاد زندگانی حضرات نشان داده شود. روابط آن حضرات با همسر، فرزندان و موالی نیز ذیل احوال شخصی و ویژگی‌های فردی مطالعه می‌شود و بخشی از روابط خانوادگی ذیل دیگر سیره‌ها به‌ویژه سیره سیاسی، بررسی می‌شود. تجمیع دوباره این مباحث موجب تکرار و حجیم شدن نوشتار می‌شود.

کتاب پیش‌رو زندگانی امام صادق علیه السلام را به‌عنوان نمونه انسان کامل، معصوم و دارای علم غیب غیراستقلالی و در نتیجه، شایسته برای الگو گرفتن جامعه انسانی و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت مطالعه می‌کند؛ شخصیتی که در یکی از مهم‌ترین دوره‌های تأثیرگذار تاریخی جهان اسلام، یعنی در فاصله زمانی ۱۱۴-۱۴۸ق، با تحولاتی کلان در عرصه فرهنگ و سیاست قرار گرفته بود؛ دوره‌ای که مرزهای جغرافیایی اسلام گسترش چشمگیری یافته بود و دامنه خود را میان مرز چین تا اقیانوس اطلس و اندلس در جنوب غربی اروپا، با اقوام، نژادها، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، پهن کرده بود؛ امامی که خلافت امویان و عباسیان را درک کرده بود؛ خلافت امویان با رویکرد عرب‌گرایی، موالی‌ستیزی، عدالت‌گریزی و خلافت عباسیان با شعار مردم‌گرایی، ظلم‌ستیزی و دادگری و احیاگری دین.

ویژگی‌های دیگر این دوره پایان‌یافتن عصر صحابه<sup>۱</sup> و آغاز دوره تابعین و پس از آن، دوره تابع تابعین بود که آرا و افکار متنوع و متفاوتی در عرصه فکر و سیاست به وجود آمد و گروه‌های

---

۱. در فرهنگ اسلامی از سه طبقه در طول یکدیگر یاد می‌شود: یکی صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله که حضرت را درک کرده‌اند: «الصَّحَابِيُّ... مَنْ تَبَتَّ صُحْبَتَهُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» و دوره آنان از عصر خلافت تا اوایل قرن دوم ادامه یافت. تابعین نسل پس از صحابه هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را درک نکرده‌اند، اما اصحاب آن حضرت را درک کرده‌اند: «التَّابِعِيُّ مَنْ صَحَبَ الصَّحَابِيَّ». تابع تابعین عالمانی هستند که فقط تابعین را درک کرده‌اند (نک: خطیب بغدادی، الکفایة، ص ۳۸). برای اطلاع از شرایط تحقق عنوان صحابی و

فرهنگی و سیاسی متفاوتی، مانند کیسانیه، زیدیه، عباسیان، زنادقه، صوفیه و مرجئه ظهور و بروز یافتند و فضای جامعه را رقابتی کردند. در این میان، هم مذاهب کلامی و فقهی بروز یافتند و هم برخی امام (علیه السلام) را به قیام علیه ظلم اموی و پس از آن، علیه بیدادگری عباسی فرامی‌خواندند، همان‌گونه که دولت به ظاهر دادگر عباسی از امام انتظار همکاری جدی داشت و امام (علیه السلام) را در تنگنای سیاسی قرار داده بود.

افزون بر اینها، شرایط و اقتضائات زمانی مطالباتی داشت که امام برای خود وظیفه‌ای بسیار فراتر از یک قیام نافرجام ترسیم کرد. در شرایطی که جهان اسلام شکل جدیدی به خود می‌گرفت، امام (علیه السلام) با دریافت صحیح مطالبات عصر خود، دایره تعامل خود را با جامعه و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌خوبی ترسیم کرد و با راهکارها و برنامه‌های دقیق نقش راهبردی خود را در عرصه‌های مختلف نشان داد و مکتبی ماندگار و تأثیرگذار تأسیس کرد و همگان را وام‌دار دانش و اخلاق خود نمود و الگو بودن خود را برای داشتن سبک زندگی برتر اثبات کرد.

این نوشتار از نوع توصیف و تحلیل است و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با تکیه بر منابع گوناگون کهن، توجه به منابع قرون بعدی و بهره‌وری از تحقیقات جدید، نقش امام (علیه السلام) را در عرصه‌های مختلف درخور بازکاوی دانسته است؛ همچنین برای دریافت واقعیت‌های بیرونی، از داده‌های دیگر علوم، مانند حدیث، کلام، رجال، تفسیر و فرقه‌شناسی نیز سود جسته و تلاش داشته در حد امکان، با رویکرد تاریخی به واقعیت تاریخی آن دوره نزدیک شود تا بتواند راهبردها و راهکارهای امام (علیه السلام) را در بستر حوادث و تحولات و در عرصه‌های مختلف تبیین کند؛ از این رو، گرچه مطالعه اثر برای عموم مناسب و مفید است، اما سیره‌پژوهان و محققان مخاطبان اصلی آن هستند.

همچنین در حد امکان از آوردن اخبار تکراری و تکثیر منابع پرهیز کرده است، ولی در مواردی به تفاوت واژه‌ها در اخبار تکراری اشاره داشته است. گفتنی است گاهی به یک خبر در مباحث مختلف استناد شده است و نباید چنین مواردی تکرار محسوب شود؛ همچنین به دلیل

---

تابعی، نک: غفاری، دراسات فی علم الدراية، ص ۲۰۰-۲۰۲. خَلْف نیز اصطلاحی است که برای عالمان پس از تابع تابعین استفاده می‌شود (قلعجی، معجم لغة الفقهاء، ص ۱۹۹).

رویکرد تاریخی، استخراج و تبیین حکم فقهی در قلمرو موضوعی این نوشتار نیست، اما برای تکمیل داده‌ها، در مواردی به جلوه‌های فقهی مباحث در آثار فقهی ارجاع داده شده است. از آنجاکه این اثر پژوهشی یک پرسش و مسئله خاص را دنبال نمی‌کند، طبیعی است که انتظار تبیین یک مسئله و ارائه فرضیه برای حل آن وجود نداشته باشد؛ با این حال، به تناسب موقعیت، به وصف، تحلیل، مقایسه و ایجاد ارتباط بین روایات منابع تاریخی و حدیثی پرداخته و در مواردی به تناسب موضوع، مسئله‌ای را مطرح کرده و تلاش نموده آن را با فرضیه‌ای خاص پاسخ دهد؛ از این رو، در درون چنین پژوهش‌هایی می‌توان به تناسب، مسئله‌محور بود و با نوآوری به تولید و پیشرفت دانش نیز کمک کرد. استخراج مقالات علمی پژوهشی از چنین طرح‌هایی این سخن را تأیید می‌کند.

طرح زندگانی امام صادق علیه السلام به دلیل حجم بالای داده‌های تاریخی و حدیثی به چند کتاب مستقل تبدیل شد و این کتاب به شناخت‌نامه آن امام علیه السلام اختصاص یافت. شناخت‌نامه امام صادق علیه السلام با ۴۲ پیشنهاد تحقیق و ۵۳۹ مأخذ، شامل بیش از ۷۰ مقاله و پایان‌نامه با رویکرد تحلیلی و انتقادی تلاش داشته به ناپیموده‌ها توجه داشته باشد، جایگاه برخی مباحث و بستر تاریخی اخبار را بیابد و به پیشینه و پسینه آنها توجه دهد تا به نوعی به تاریخ اندیشه نیز نزدیک شده باشد، البته چنین رویکردی می‌تواند سبب بسط‌یافتگی برخی مباحث نیز بشود. در عین حال از حاشیه‌پردازی و تکثیر بی‌دلیل منابع، جز در موارد ضرور یا اختلاف در متن یا سند و یا برداشت پرهیز داشته و با چنین چشم‌اندازی هندسه مطالعه خود را در چند فصل به شرح ذیل سامان داده است:

فصل اول به کلیات می‌پردازد تا بتواند چهارچوب بحث را ترسیم کند و پیشینه و منابع پژوهش را نشان دهد.

فصل دوم به بررسی ویژگی‌های فردی و احوال شخصی امام علیه السلام شامل تولد، تبار، کنیه، لقب، شمایل، بستگان، اصحاب، شهادت و وصیت اختصاص یافته است.

فصل سوم نیز به موضوع امامت و دلایل امامت آن امام علیه السلام اختصاص یافته و معجزات و کرامات آن حضرت گونه‌شناسی و تحلیل شده است؛ سپس امام علیه السلام در نگاه خود، اهل سنت و خاورپژوهان بررسی شده است.

نگارش پیش‌فصل‌ها می‌تواند به دورنمای مباحث و انسجام مطالعه کمک کند. همان‌گونه که اعراب‌گذاری اسامی اشخاص، اماکن و قبایل و معرفی اجمالی برخی از آنان مَدَدِ رَسَانِ تَبیین جایگاه اخبار مربوطه و بازشناسی هم‌نامان از یکدیگر است. آوردن تاریخ وفات نام‌برندگان در پژوهش‌های تاریخی از این جهت اهمیت دارد که زمان رویداد و حتی سیر زمانی مباحث را نشان می‌دهد. وجود پاورقی‌های توضیحی و انتقادی برای تبیین‌های پیرامونی به فهم عمیق‌تر مطالعه کمک کرده است و در مواردی ارجاع به برخی دیگر از آثار نگارنده، نه نشانه خودستایی که بیانگر تحقیق بیشتر در موضوع مربوط است. با اینکه امکان درج برخی از پاورقی‌ها در متن وجود داشت، اما توجه به انسجام بیشتر نوشتار سبب شد تا در پاورقی بیان شوند.

در پایان از همه گرامیانی که به‌نوعی مؤلف را در این پژوهش یاری دادند و سخاوتمندانه با اهدای آرای عالمانه خود بر اتقان و استواری نوشتار افزودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود؛ به‌ویژه از ارزیابان و ناقدان گرامی که برخی مانند دکتر حسین عزیزی، دکتر نعمت‌الله صفری، دکتر روح‌الله توحیدی‌نیا زحمت ارزیابی و نقد همه اثر را برعهده گرفتند و برخی مانند دکتر منصور داداش‌نژاد، دکتر رسول قلیچ و نیز استادان ارجمند حُجَجِ اسلام قاسم خانجانی، رمضان محمدی، حسین مرادی‌نسب و محمدرضا هدایت‌پناه بخش‌هایی از این اثر را عالمانه نقد کردند.

همچنین بذل عنایت رؤسای محترم پیشین پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز ریاست فعلی آن، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سعیدی‌روشن، رئیس پژوهشکده علوم اسلامی، دکتر محمد فتحعلیخانی، معاونان محترم سابق و لاحق پژوهشی و به‌ویژه مدیر محترم گروه تاریخ حجت‌الاسلام والمسلمین رمضان محمدی را سپاسگزارم که این اثر با مساعدت آنان منتشر شد. در نهایت، تلاش تمام عزیزانی را که در آماده‌سازی این اثر ایفای نقش کردند، به‌ویژه آقایان اسماعیل یارمحمدی رئیس اداره پشتیبانی پژوهشکده علوم اسلامی و سیدعدنان اسلامی رئیس اداره آماده‌سازی و چاپ را سپاس می‌گویم؛ مراتب امتنان و سپاس قلبی خود را از سروران معظم و دست‌اندرکاران نشر این پژوهش اعلام می‌دارم و از خداوند متعال برای همگان آرزوی موفقیت‌های روزافزون و برای نگارنده این سطور درخواست بخشش از خطاهای احتمالی را دارم.

این بضاعت مُزجات نَه درخور پیشکش به مقام شامخ امام صادق (علیه السلام) که کمتر از پای ملخی است تا بتواند تحفه مور به سلیمان وجودی باشد که توان شناخت قله رفیع شخصیت آن امام جز برای اندکی وجود ندارد؛ از این رو، نگارنده فقط مفتخر به اعتصام به عروة الوثقی و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و شاخه پربار عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و از سروده شاعران بهره می برد که:

لایق نبود قطره به عمان بردن      خار و خسِ صحرا به گلستان بردن  
اما چه توان که رسم موران باشد      پای ملخی سوی سلیمان بردن

\*\*\*

«یا ایُّها العزیز!» بین خسته حالی ام      چشمان پرستاره و دامان خالی ام  
ماییم آن «حسی که به میقات» آمدیم      شرمنده با «بضاعت مُزجات» آمدیم  
شام فراق، سوره واللیل خوانده ایم      یوسف ندیده «أَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ» خوانده ایم

و از خدای باری تعالی می خواهد که رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا وَ تَغْفِرْ زَلَالِنَا وَ سُوءَ فِعَالِنَا:

ما را به جز تو در همه عالم عزیز نیست      گر رد کنی بضاعت مزجات و قبول  
پیشاپیش سپاسگزاری خود را از همه صاحب نظرانی اعلام می دارم که نقدهای عالمانه خود  
را به مؤلف اهدا خواهند نمود و خواهانم که مَنْ يَقْرَأْ كِتَابِنَا يَدْعُو لِي بِالنَّجَاةِ مِنَ الْحِسَابِ.

حسین حسینیان مقدم





## فصل اول

### کلیات

#### ۱-۱. طرح تحقیق

امامت و تشخیص امام پیوسته مورد توجه و گفت‌وگوی درون‌دینی و درون‌مذهبی بوده که سبب تمایز گروه‌ها و پیدایش فرقه‌ها و نیز تدوین آثار مختلفی درباره معصومان (علیهم‌السلام)، از جمله امام صادق (علیه‌السلام) شده است. این آثار در سطوح مختلف با رویکرد و اهدافی متفاوت تدوین شده است. آنچه نگارش درباره زندگانی معصومان (علیهم‌السلام) را از نگارش دیگر موضوعات تاریخی متمایز و دشوارتر می‌کند، توجه ویژه به راهبری و اسوه بودن آنان در ابعاد مختلف زندگی پیروان است. مهم‌ترین مسئله در این حوزه، اثبات، تبیین، تحلیل و تحریف‌زدایی گزاره‌ها است که استفاده از همه ظرفیت‌های پژوهشی را ضروری می‌کند و لازم است بستر رخداد حادثه، نقل خبر، پیشینه خبر و بازتاب آن مورد توجه قرار گیرد و از احساسات و تمایلات شخصی پرهیز شود.

پژوهش حاضر موضوع محور است که شناخت‌نامه امام صادق (علیه‌السلام) را با پیش‌فرض عصمت، به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و استفاده از منابع گوناگون، بهره‌مندی از داده‌های کلامی و حدیثی و نیز توجه به تحقیقات جدید، بررسی کرده و به تناسب، به وصف، تحلیل، نقد، مقایسه و ایجاد ارتباط بین روایات منابع تاریخی و حدیثی پرداخته است.

#### ۱-۲. مفهوم‌شناسی پژوهش

هر پژوهشی مبتنی بر چند مفهوم اصلی است که تبیین آنها به تبیین موضوع کمک می‌کند؛ در این پژوهش مفاهیم امام، اهل‌بیت، تاریخ و سیره بررسی می‌شود.

### ۱-۲-۱. امام

امام در فرهنگ عرب برگرفته از «أمّ» با معانی نزدیک به هم، مانند اساس و پایه هر چیز، مرجع و قرارگاه، جماعت و دین و پیشوایی است که بر دیگران پیشی دارد<sup>۱</sup> و آدمی و غیر آدمی و نیز امام هدایت و گمراهی را شامل می‌شود.<sup>۲</sup> امام در اصطلاح امامیه و این پژوهش به امامان دوازده‌گانه گفته می‌شود که با نص انتخاب می‌شوند، بر دیگران برتری علمی و عملی دارند، از خطا مصون (معصوم) هستند و ریاست عامه دینی و دنیایی دارند، خواه خلافت ظاهری داشته باشند یا نداشته باشند.

### ۱-۲-۲. اهل بیت

واژه «اهل» برابرنهاده واژه وحشی است که اگر مستقل به کار رود، به معنای شایستگی، سزاواری و آگاهی در مقابل کلمه «ناهل» است و اگر دارای مضاف‌الیه باشد، بیانگر الفت میان افراد در پیوند با مضاف‌الیه است؛ از این رو، «اهل الرّجل» به همسر مرد یا کسانی گفته می‌شود که با او در یک خانه زندگی کنند و به مردی که همسر دارد متأهل گویند. «اهل بیت الرّجل» نیز به کسانی گفته می‌شود که سکونت در یک منزل، خویشاوندی، هم‌دینی، همکار و همشهری بودن وجه اشتراک و ارتباط آنان با آن شخص باشد؛ همچنان که اهل اسلام به کسانی گفته می‌شود که در مسلمانی مشترک باشند.<sup>۳</sup> دهخدا کاربردهای فراوانی برای واژه اهل در حالت اضافه بیان کرده است.<sup>۴</sup>

مسلمانان در تعیین مصداق اهل بیت رسول خدا ﷺ اختلاف نظر دارند. برخی از اهل سنت آن را به همسران رسول خدا ﷺ و برخی از شیعه و اهل سنت آن را به پنج تن آل عبا منحصر کرده‌اند. برخی دیگر مفهوم اصطلاحی اهل بیت را به همسران و پنج تن آل عبا توسعه داده‌اند، اما

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۴۵-۴۷.

۲. صدوق، معانی الأخبار، ص ۹۷ از ابوبشر لغوی (م. ۲۸۴ق)؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۴-۲۵.

در باره پیشوایی هدایت و ضلالت، نک: انبیاء، ۷۳؛ قصص، ۴۱.

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۱؛ راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۹۷.

۴. نک: لغتنامه دهخدا، واژه اهل.

مشهور شیعه آن را در خصوص حضرت فاطمه علیها السلام و امامان شیعه معنا کرده<sup>۱</sup> و همین معنا در این پژوهش مورد نظر است.

اما در کاربرد اهل بیت آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله شامل قلمرو مفهومی آن می شود یا نه؟ برای پاسخ، دو نکته درخور توجه است:

نخست اینکه «اهل» به «بیت» اضافه شده و مضاف غیر از مضاف الیه است؛ افزون بر اینکه اضافه اهل به بیت اضافه تخصیصی است و اختصاص شخص به خودش درست نیست. دیگر آنکه سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به اهل بیت (به معنای عترت) برای بعد از خود، گویای عدم شمولیت است.<sup>۲</sup> کشتن عترت در کلام امام باقر علیه السلام که فرمود: «قرآن را تحریف کردند و عترت را کشتند»<sup>۳</sup> و اعلام کرد: «علی، حسن، حسین و فاطمه تأویل آیه تطهیر هستند»<sup>۴</sup> نیز شاهدی دیگری بر این مطلب است.

با این حال، برخی در تعیین مصداق اهل بیت، از رسول خدا صلی الله علیه و آله در شمار اهل بیت یاد کرده اند. گفتنی است که «الف و لام» در واژه «اهل البیت» اگر عهد حضوری و اشاره به مکان خاص باشد، افراد حاضر در آن مکان شامل مفهوم اهل بیت می شوند و چون شخص غیر از مکان است، ناهمسویی با رابطه مضاف و مضاف الیه به وجود نمی آید. همان گونه که براساس آیه ۷۳ سوره هود،<sup>۵</sup> حضرت ابراهیم علیه السلام و براساس آیه ۳۳ سوره احزاب،<sup>۶</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله شامل مفهوم اهل بیت شد؛ بنابراین، کاربرد اهل البیت با اهل الرجل یا اهل بیت الرجل متفاوت است. دو واژه «اهل» و «آل» اشتراک معنایی دارند و اهل البیت و آل البیت به یک معنا گفته می شود، با این تفاوت که آل فقط به انسان اضافه می شود و آل البیت به معنای آل بیت الرجل

۱. برای اطلاع بیشتر، نک: محمدی ری شهری، اهل البیت فی الکتاب و السنة؛ بابایی، پرسمان عصمت، ص ۴۲-۵۱ و ۹۳-۱۲۴. واکاوی سیر تاریخی کاربرد اجتماعی واژه اهل البیت تحقیق مستقلی می طلبد تا در پناه آن شعار «الرضا من آل محمد» در فضای جدیدی بازخوانی شود.
۲. «فَد تَرَکْتُ فِیْکُمْ أَمْرَيْنِ... کِتَابَ اللّٰهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۵).
۳. «أَمَّا كِتَابَ اللّٰهِ فَحَرِّفُوا... وَأَمَّا الْعِثْرَةَ فَفَقْتَلُوا» (صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۳۳-۴۳۴).
۴. «تأویل هذه الآية... فهؤلاء ثقلی و أهلی» (عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۲۵۰).
۵. «رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ».
۶. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

بوده که به مثابه اضافه شدن کلمه آل به انسان است. اگر در واژه اهل مفهوم الفت و دوستی نهفته است، در واژه آل نیز به دلیل اینکه از ریشه «أول» گرفته شده، مفهوم پیروی نهفته است که به نوعی اتحاد مصداقی را نشان می‌دهد. آل محمد نیز در مفهوم امت آن حضرت، هاشمیان، علویان، فاطمیان، حسینیان، امامان معصوم (علیهم السلام) و پنج تن آل عبا به کار رفته است.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۳. تاریخ

واژه تاریخ به معنای شناساندن و تعیین وقت و زمان است که در قرن دوم به کار گرفته شد و کاربرد آن در قرن سوم اوج گرفت. وجود دیدگاه‌ها درباره خاستگاه عربی، عبری یا فارسی این واژه، سبب اختلاف نظر معنایی آن شده<sup>۲</sup> و از قرن دوم در معنای شناخت زمان حادثه، حوادث بین دو زمان، خود حادثه یا گزارش حادثه به کار رفته است.<sup>۳</sup> کتاب التاریخ علی ترتیب السنین اثر هیشم بن عدی (م. ۲۰۷ق) نخستین اثری است که تاریخ را به معنای زمان حادثه<sup>۴</sup> و کتاب‌های تاریخ یحیی بن معین (م. ۲۳۳ق) و تاریخ الکبیر بخاری (م. ۲۵۶ق) تاریخ را به معنای شرح حال راویان به کار برده‌اند.<sup>۵</sup>

قصه، نبأ و به ویژه خبر، معادل مفهوم تاریخ در فهم امروزی است که بر آن اساس، کتاب‌هایی مانند «اخبار تمیم»، «اخبار الحسن بن علی و وفاته» نوشته شده و تعبیر «اخباری» و «کان عالماً بالأخبار» کاربرد یافته‌اند<sup>۶</sup> و در این میان، عبدالعزیز جلودی با نگارش ۵۸ اثر با نام اخبار و پس از وی ثقفی زیدی بیشترین تک‌نگاری‌ها را با نام اخبار نگاشته‌اند.<sup>۷</sup> نگارش

۱. «آل محمد ﷺ من هم؟ قال: هم أهل بيته خاصة» (قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۸-۳۴)؛ بنا بر

این خبر، آل و اهل به یک معنا به کار رفته و مفهوم اهل بیت براساس کاربرد و حکم متفاوت است.

۲. نک: جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۴۱۸ و ۴۳۵؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۹۴، ج ۶، ص ۱۰۵؛

ابوریحان بیرونی، الآثار الباقية، ص ۳۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۴، ص ۲۵۶ و ۳۲۳.

۳. رابطه دو معنای اخیر را نک: استنفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ص ۳۶ و ۱۹۱-۱۹۲.

۴. ندیم، فهرست، ص ۱۱۲.

۵. همان، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۶. همان، ص ۱۰۶، ۱۱۲ و ۱۲۸. برای مطالعه بیشتر، نک: روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۱۰-۲۲.

۷. نک: نجاشی، رجال، ص ۱۷-۱۸ و ۲۴۲-۲۴۴.

کتاب‌هایی به نام اخبار یا تاریخ با موضوعی مشابه، اتحاد معنایی آن دو واژه را بهتر نشان می‌دهد؛ برای مثال، احمد برقی (م. ۲۷۴ق) کتاب اخبار الأمم، طبری (م. ۳۱۰ق) کتاب تاریخ الأمم و مسعودی (م. ۳۶۴ق) کتاب اخبار الزمان من الأمم را در موضوعی مشابه نوشتند و نیز جُعابی کتاب اخبار بغداد و خطیب بغدادی کتاب تاریخ بغداد را نگاشته‌اند.

واژه‌های ترجمه، سوانح، وَقَعَه، حیات، قصه در زبان عربی، همانند شرح حال، زندگانی، سرگذشت و داستان در ادبیات فارسی، دیگر مرادف‌های مفهومی واژه تاریخ‌اند، مانند ترجمه محمدبن ابی‌عمیر، سوانح الایام (یا وقایع الایام)، سوانح احوال ناصر خسرو العلوی (یا سرگذشت حجت)، وقعة الجمل از ابوبکر صولی (م. ۳۳۵ق)، حیاة ابراهیم بن مالک الاشر از محمدعلی اردوبادی (م. ۱۳۸۰ق)، شرح حال رودکی از سعید نفیسی (م. ۱۳۴۵ش)، زندگانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) سرگذشت اردشیر از وحید دستگردی (م. ۱۳۶۱ق) و داستان زندگی حافظ از حسین پژمان (م. ۱۳۵۳ش).<sup>۱</sup>

شهید مطهری کشف قاعده و ضابطه برای زندگی‌های گذشته را تاریخ علمی (اصطلاح ایشان در برابر تاریخ نقلی) دانسته که از مجموع گزاره‌های تاریخی، بررسی و تحلیل حوادث گذشته (تاریخ نقلی) به دست می‌آید و تاریخ علمی را بخشی از دانش جامعه‌شناسی شمرده است.<sup>۲</sup>

#### ۱-۲-۴. سیره

سیره برگرفته از «سیر» به معنای رفتن به حالت‌های خوب و بدی گفته می‌شود که انسان یا غیرانسان آنها را به صورت غریزی یا اکتسابی داشته باشد<sup>۳</sup> و کاربرد فراوانی در فرهنگ عرب و ادبیات اهل بیت (علیهم السلام) دارد. این واژه در اصطلاح مورخان به حالات شخص، خاندان، گروه و نیز به حوادثی گفته شده که در عصر یک شخص، خاندان یا گروه با محوریت آنها رخ داده است.

۱. موارد یادشده و دیگر موارد را نک: آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۳، ص ۲۷۰، ج ۴، ص ۱۴۷-۱۶۷، ج ۶، ص ۲۳۳، ج ۷، ص ۱۳۳ و ۱۴۴، ج ۸، ص ۳۵-۴۲، ج ۱۲، ص ۵۰-۵۸، ۱۰، ۱۷۱-۱۷۲ و ۲۵۱-۲۵۴، ج ۲۵، ص ۱۲۷-۱۳۳.

۲. مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۳۶۹-۳۷۰.

۳. راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۴۳۳.

براساس آن، کتاب‌هایی با عنوان سیره، مانند «السيرة النبوية»، «سيرة معاوية و بنی امیه» و «سيرة النبي ﷺ و الأئمة (علیهم السلام) فی المشرکین»،<sup>۱</sup> تدوین شده و به لحاظ دائم الاضافه بودن کلمه سیره، گاهی به موضوعات نیز اضافه گردیده و ترکیب «سيرة العلم و الاجتماع» را به وجود آورده است. طبیعی است منابع و اقتضانات بررسی سیره براساس مضاف‌الیه کلمه سیره، متفاوت خواهد بود.

بنابراین، سیره نیز مرادف معنایی واژه تاریخ است و در بررسی شرح حال افراد و اماکن به یک معنا به کار رفته است.

درخواست سلیمان بن عبدالملک (م. ۹۹ق) از ابان بن عثمان عَمَّان برای نگارش سیره‌ای که در آن از انصار فضیلتی یاد نشود<sup>۲</sup> و نیز درخواست خالد بن عبدالله قَسْرِي (م. ۱۲۶ق) از ابن شهاب زُهْرِي برای تدوین سیره‌ای (اُكْتُب لِي السِّيْرَة) که امام علی (علیه السلام) را در قعر جهنم نشان دهد،<sup>۳</sup> می‌تواند تأکیدی بر هم معنایی دو واژه تاریخ و سیره در ذهن عمومی مردم باشد؛ از این رو، به تاریخ‌نگاران «اصحاب السَّيْرِ» گفته شده<sup>۴</sup> و آثاری مانند سِيَر الصَّحَابَة، سِيَر أَعْلَام النُّبَلَاء، سِيَر المُلُوك، سِيَر الثُّغُور و سِيَر الخِلافة تدوین گردیده و از آن دانش به «علم الآثار»<sup>۵</sup> یاد شده است. فقهیان اهل سنت نیز از شرح رفتار نظامیان مسلمان با مشرکان به سیره تعبیر کرده (سيرة المسلمين في المعاملة مع المشركين) و البته احکام فقهی را از آن استنباط نموده‌اند.<sup>۶</sup> گرچه از سیره در حرکت پسینی اش به سیره عملی یاد شده و از سیره گفتاری (حدیث) فاصله گرفته است، اما در آغاز نگارش، سیره با حدیث پیوند داشت و گفتار و کردار را بدون اشاره به تکرارپذیری آنها شامل می‌شد.

۱. ندیم، فهرست، ص ۱۰۳؛ نجاشی، رجال، ص ۶۷.

۲. زُبَير بن بَكَّار، الأخبار الموفقیات، ص ۳۳۱-۳۳۴.

۳. ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ج ۲۲، ص ۱۵.

۴. ندیم، فهرست، ص ۱۰۵، ۱۲۸ و ۲۴۶.

۵. حاجی خلیفه، كشف الظنون، ج ۱، ص ۸، ۳۱۸-۳۱۹ و ۸۲۹، ج ۲، ص ۱۰۱۲-۱۰۱۳. موارد بیشتری از سیره و سِيَر نگاشته‌ها را نک: آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۲، ص ۲۷۶-۲۸۱.

۶. سرخسی، المبسوط، ج ۱۰، ص ۲.

براین پایه، در بررسی سیره ائمه علیهم السلام نمی‌توان به سیره عملی بسنده کرد و سخنان آن حضرات را نادیده گرفت، حتی تقریر معصوم علیه السلام<sup>۱</sup> در تبیین سیره باید مورد توجه قرار گیرد. سیره‌نگاران نخستین شیعه، مانند شیخ مفید نیز در کتاب الإرشاد، از سخنان ائمه علیهم السلام برای تبیین سیره آن حضرات استفاده کرده‌اند و سخن هر شخص بیانگر روش و دیدگاه وی و تاحدودی نمایاننده شخصیت او در قلمرو عملکرد است؛ البته این سخن به معنای یگانگی قول و عمل یا ابتدای قول بر عملکرد نیست و ائمه اطهار علیهم السلام نیز به هر کار جایز یا سفارش شده‌ای عمل نکرده‌اند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام از دواج موقت (مُتْعَه) و امام رضا علیه السلام آمیزش مقعدی با همسر را حرام نمی‌دانستند و در عین حال چنان عملکردی نداشته‌اند.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، سخن و عمل معصومان علیهم السلام با داشتن شرایط حجیت، برای پیروان آنان حجت است که بر اساس قواعد علمی مربوطه، در احکام پنج‌گانه اباحه، مستحب، وجوب، کراهت و حرام نمود پیدا می‌کند و به آنها عمل می‌شود و قابل پیروی است، چه تکرار و استمرار داشته باشد یا نداشته باشد، چه از آنها نظام حاکم بر تصمیم‌گیری استخراج شود یا نشود؛ چنان‌که رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام در نبرد جمل مخالف رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله در فتح مکه پنداشته شد و گفتند: «هذه سيرتان مختلفتان». امام سجاد علیه السلام سیره امیرالمؤمنین علیه السلام را مانند سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در فتح مکه و امام صادق علیه السلام سیره امیرالمؤمنین علیه السلام را برای شیعیان بهتر از طلوع خورشید خواندند<sup>۳</sup> و طبیعی است که برخورد رسول خدا صلی الله علیه و آله در فتح با مشرکان و مواجهه امیرالمؤمنین علیه السلام در برخورد با مردم بصره در جنگ جمل تکرارپذیر نبود.

در خور توجه است که کاربرد لغوی واژه سیره به معنای رفتار ثابت در برخی احادیث ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان قابل انکار نیست و می‌توان به سخن امام حسین علیه السلام اشاره داشت که فرمود: «من مطابق عملکرد جدّم، رسول خدا صلی الله علیه و آله، و پدرم، علی بن ابی طالب علیه السلام، عمل

۱. تقریر سکوت آگاهانه معصوم علیه السلام در برابر عمل دیگری به شرط فقدان مانع برای اظهار نظر. سکوت در این حالت، به منزله اقرار به صحت عمل است.
۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴۰. امام خمینی (البیع، ج ۲، ص ۵۵۱) نفرت‌انگیز بودن آمیزش مقعدی را سبب این دانسته که امام معصوم علیه السلام آن را انجام ندهد.
۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۵۵-۱۵۶.

می‌کنم.<sup>۱</sup> همچنین می‌توان به تعبیر «سیرته فی نفسه»، «سیرة الإمام فی نفسه» یا «سیرته فی نفسه و رعیتیه» مثال زد.<sup>۲</sup> اما این کاربرد، نباید به معنای نادیده گرفتن معنای اصطلاحی آن واژه باشد.

سیره در دانش تاریخ به معنای شرح حال، در دانش فقه به معنای جواز و در دانش کلام به معنای ضد بدعت است، بدون آنکه استمرار و الگو در آن لحاظ شود. حیات نیز مرادف سیره است که در معنای لغوی ضد مرگ است، اما اصطلاح تاریخی آن نادیده گرفته نمی‌شود. حیات وقتی به شخص یا گروه اضافه شود، به معنای تاریخ رخدادهای زندگانی آن شخص یا آن گروه و هر آنچه به آنها پیوند دارد خواهد بود و مواردی مانند شرح حال استادان و شاگردان و معاصران آنها نیز بررسی خواهد شد و نام کتابی که به بررسی این موضوعات می‌پردازد، حیات، ترجمه، حالات، شرح حال، زندگانی، سوانح عمر و مانند اینها خواهد بود.<sup>۳</sup>

هر دانشی واژگان اصطلاحی خاص خود را دارد که چه بسا با معنای لغوی آن تفاوت داشته باشد؛ به عنوان نمونه، منطق در لغت به معنای سخن گفتن و در اصطلاح منطقیان، معیار سنجش و ابزار بازداشت ذهن از اشتباه در تفکر است.<sup>۴</sup> فقه نیز در لغت به معنای دانایی و در اصطلاح فقهی به معنای فهم (و علم) به احکام شرعی فرعی براساس ادله تفصیلی است.<sup>۵</sup> صلاة نیز در لغت به معنای دعا است که در قرآن و روایات نیز همین کاربرد را دارد، اما در اصطلاح فقهی به مجموعه اعمالی، از تکبیرة الاحرام تا سلام پایانی نماز، گفته می‌شود.<sup>۶</sup>

۱. «أسیرُ بسیرة جدی (علیه السلام) و سیرة ابي علي بن أبي طالب (علیه السلام)»: ابن اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۲۱.

۲. نک: جاحظ، العثمانية، ص ۱۸۴؛ تقفی، الغارات، ج ۱، ص ۸۱؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۲۹۲. ماوردی (تسهیل النظر و تعجیل الظفر، ص ۱۶۹) تعبیر «سیرته فی نفسه و رعیتیه» را از زبان انوشروان نقل کرده است که اشاره به سیره فردی و اجتماعی انوشروان دارد.

۳. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۷، ص ۱۱۳.

۴. «آلة قانونية تعصم مراعاتها الذهن عن الخطأ في الفكر» (نک: ابوعلی سینا، الإشارات و التنبیها، ج ۹-۱۰؛ مظفر، المنطق، ص ۸-۹).

۵. «الفقه فی اللغة الفهم و فی الاصطلاح هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصیلیة» (حسن بن زین الدین، معالم الدین، ص ۲۶).

۶. «فالصلاة و هی الدعاء» (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۰۰).



در این میان، سیره‌پژوه برای یافتن رخدادهای گذشته تحقیق می‌کند تا آن را همان‌گونه که بوده دریابد یا دست‌کم به آن نزدیک شود و از دخالت دادن احساسات خود پرهیز دارد تا مبادا گذشته را در زمان حال بسازد و راه دریافت خود را نیز به گزاره‌های تاریخی مکتوب منحصر نمی‌کند، چه اینکه رویکرد و روش تاریخی به معنای انحصار منابع پژوهش به گزاره‌های تاریخی نیست. حدیث‌پژوه نیز رسالتی مانند تاریخ‌پژوه دارد و تلاش می‌کند تا سخن معصوم علیه السلام را همان‌گونه که صادر شده است، کشف کند.

نگارش آثار فراوانی از گذشته تاکنون و در میان اقوام مختلف، نشان از استواری معنای پیش‌گفته برای واژه سیره است.<sup>۱</sup> سیره‌پژوهی در این نوشتار نیز معادل مفهوم تاریخ‌پژوهی است با این توضیح که از روایات و احادیث معصومین علیهم السلام بیشترین بهره را می‌برد و خود را به منابع مکتوب تاریخی منحصر نمی‌کند.

بر پایه روابط چهارگانه انسان، می‌توان سیره هر فرد را به سیره فردی و اجتماعی تقسیم کرد. رابطه فرد با خود یا خدای خود، بدون نمود آن در جامعه و طبیعت و در نظر داشت مواجهه‌های اجتماعی، سیره شخصی خوانده می‌شود. تمرکز بر جریان، تکرارپذیری و الگودهی در مفهوم سیره سبب خروج برخی موضوعات فردی و اجتماعی است. موضوعاتی مانند تولد، نام و تبار، شمایل، شهادت، بستگان، اصحاب، سفارش‌ها، نشانه‌های امامت و آرای دیگران درباره شخص، گُش و واگُش شخص نیست، در مواردی تابع شرایط و اقتضانات خاص اجتماعی، زمانی و مکانی است که توان تکرار ندارد؛ اما اینها را اگر براساس تعریف سیره، حوادث و موضوعاتی با محوریت شخص بدانیم، در تاریخ‌نگاری یا به تعبیری، سیره‌نگاری فردی مورد مطالعه قرار می‌گیرند، ولی در عین حال این نوشتار از این نوع مطالب به شناخت‌نامه تعبیر کرده است.

گاهی گُش و واگُش شخص با دیگر مردمان و نیز محیط بیرونی رابطه پیدا می‌کند. بررسی فعالیت‌ها و موضوعاتی مرتبط با شخص در چنین قلمروی و ناظر بر تعامل با مردم و طبیعت،

---

۱. اسماعیلیان نیز در نگارش شرح حال امامان خود از واژه سیره استفاده کرده‌اند، مانند کتاب سیره الإمام المؤمنین بالله احمد بن الحسین الهارونی (م. ۴۱۱ق) نگاشته یحیی بن حسین بن اسماعیل جرجانی شجری، معروف به المرشد بالله (م. ۴۹۹ق) که در آن به تولد، زهد، علم، یاران و قیام او پرداخته شده است.

سیره یا شرح حال اجتماعی خواننده می‌شود و دربردارنده ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. گاهی نیز سیره اجتماعی معنای خاص‌تری می‌یابد و فقط به موضوعات اجتماعی صرف، مانند شعائر و نمادها، بهداشت، تفریح، سوگواری و مانند اینها می‌پردازد و از پرداختن به موضوعات سیاسی، علمی و اقتصادی فاصله می‌گیرد. براین پایه، سیره سیاسی، علمی و اقتصادی، نه در طول سیره اجتماعی که هم‌راستای آن خواهد بود.

مناسب است به ارتباط سیره با سنت نیز اشاره شود. سنت در لغت مانند سیره به معنای دوام و جریان داشتن است که پیوسته مضاف واقع می‌شود و نیازمند مضاف‌الیه است. دیگر معانی گفته‌شده برای سنت نیز به این معنای اصلی برمی‌گردد، همان‌گونه که تعبیر «مسنون الوجه» به معنای جریان یافتن گوشت بر چهره است و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به معنای سیره آن حضرت است.<sup>۱</sup> در روایتی از امام صادق (علیه السلام) یا امام باقر (علیه السلام) نیز سفارش شده که صبحگاهان گفته شود: به یاری خداوند صبح خود را با دین و روش محمد (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام) و جانشینان ایشان آغاز کردم.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، سنت و سیره در لغت به یک معنا و پیوسته در حالت مضاف به کار می‌رود.

گستره مفهومی سنت نزد محدثان و اصولیان، آن را شامل گفتار، رفتار، تقریر و سایر ویژگی‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کرده و از گفتار و حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سنت گفتاری و از رفتار آن حضرت به سنت عملی یا سیره تعبیر شده است. این تعریف غیر از مفهوم اصطلاحی دانشیان فقه و کلام است که سنت را به معنای استحباب و مقابل بدعت به کار برده‌اند، بدون اینکه جریان و استمرار را لحاظ کرده باشند.<sup>۳</sup>

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۶۰.

۲. «أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ وَ دِينِ عَلِيٍّ وَ سُنَّتِهِ وَ دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۲۲).

۳. برای اطلاع بیشتر نک: باجی، التعديل و التجريح، ج ۱، ص ۱۴-۱۷؛ عبد المنعم، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ج ۲، ص ۲۹۷-۲۹۹؛ جناتی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ج ۱، ص ۷۵؛ طباطبایی (محمد کاظم) و حکیم، «مفهوم‌شناسی و نسبت‌سنجی دو اصطلاح سنت و حدیث»، حدیث پژوهی، ش ۱۱، ص ۸-۱۷.

### ۱-۲-۵. سیره‌نگار

بر پایه تعریف واژه سیره، به نگارنده کتاب مستقل درباره شرح حال شخص، اشخاص یا گروه، سیره‌نگار گفته می‌شود و مؤلفان برای نام‌گذاری کتابشان از واژه سیره یا مرداف‌های آن استفاده می‌کنند؛ از این رو، به سیره‌گویان یا کسانی که به مناسبتی، مطالبی از سیره را در کتاب خود آورده باشند یا به آن استدلال کرده باشند، سیره‌نگار گفته نمی‌شود.<sup>۱</sup>

برای نمونه، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، عایشه، ابوهریره، عبدالله بن عمر، زیدبن ثابت، انس بن مالک، سهل بن سعد ساعدی و جابر بن عبدالله انصاری باینکه سیره می‌گفتند و در نقل سیره نبوی تأثیرگذار بودند،<sup>۲</sup> سیره‌نگار شمرده نشده‌اند. امام سجاد (علیه السلام) نیز بنا بر خبری، اگر سیره نبوی را مانند قرآن آموزش داده و فرموده باشد: «كُنَّا نَعْلَمُ مَغَازِيَ النَّبِيِّ ﷺ وَ سَرَايَاهُ»،<sup>۳</sup> سیره‌نگار شمرده نشده است.

۱. آقابزرگ تهرانی به این نکته چنین تصریح می‌کند: «فِيصْنَفُ كِتَابٌ مُسْتَقِلٌّ فِي ذَلِكَ لِشَخْصٍ أَوْ أَشْخَاصٍ أَوْ قَوْمٍ» (الذريعة، ج ۷، ص ۱۳۳).

۲. شاهد سیره‌گویی آنان اینکه حجاج بن یوسف ثقفی بر گردن یا دست کسانی مانند سهل بن سعد ساعدی (م. ۸۸ یا ۹۱ ق) (طبری، تاریخ، ج ۵، ص ۳۵)، انس بن مالک و جابر بن عبدالله انصاری مهربندگی نهاد تا خوار شوند و مردم از آنان (سیره) نشوند «وَلَا يَسْمَعُوا مِنْهُمْ» (ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج ۲، ص ۶۶۴؛ ابن اثیر (علی)، اسد الغابة، ج ۲، ص ۳۶۶).

۳. خطیب بغدادی نخستین کسی است که این خبر را از واقدی و او از عبدالله بن محمد از پدرش (امام باقر (علیه السلام)) نقل کرده است. صالحی شامی و به احتمال، ابن کثیر و سیوطی نیز آن را از خطیب گرفته‌اند (خطیب بغدادی، الجامع لإخلاق الراوی، ج ۲، ص ۱۹۵؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۳، ص ۲۹۷؛ سیوطی، المحاضرات و المحاورات، ص ۳۰۶؛ صالحی شامی، سبیل الهدی و الرشاد، ج ۴، ص ۱۰). سند این خبر باینکه به امام باقر (علیه السلام) می‌رسد، در منابع شیعی انعکاس ندارد و خبر دیگری نیز تدریس رسمی سیره نبوی از سوی امام سجاد (علیه السلام) را نشان نمی‌دهد و از آن حضرت نیز به سیره‌گو یا سیره‌نویس یاد نشده است. امام (علیه السلام) برای مبارزه با تحریف سیره نبوی و دفاع از هویت خاندانی نه به قصد سیره‌گویی یا سیره‌نویسی اصطلاحی، مطالبی را بیان کرده است (نک: حسینیان‌مقدم، «نقش امام سجاد (علیه السلام) در تحریف‌زدایی از سیره نبوی ﷺ»، پژوهش‌های تاریخی، ش ۱، ص ۵۷-۷۲).

### ۳-۱. پیشینه

جایگاه تاریخی شخصیت‌ها و ملت‌ها، تابع نقش تاریخی آنان است و آفرینش آثار فراوان با موضوعات متعدد درباره شخصیت‌ها از نشانه‌های جایگاه والا و ایفای نقش اجتماعی آنان است. آثار فراوانی در ابعاد مختلفی از زندگانی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با رویکردهای متفاوتی در عرصه فرهنگ و تمدن، نگارش‌ها، هنرها و حتی در نام‌گذاری‌ها و معماری‌ها از گذشته تاکنون ظهور و بروز یافته است که بیشتر آنها به فراخور موضوع در بازه زمانی یا مکانی خاص می‌توانسته ارزشمند و تأثیرگذار باشد؛ باین حال، هنوز راه‌های ناپیموده زیادی برای درک سیره و زمانه اهل بیت (علیهم‌السلام) وجود دارد.

امام صادق (علیه السلام) به لحاظ قرار گرفتن در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی و تأثیر فراوان بر اندیشه‌های شیعی و غیرشیعی آثار فراوان مکتوب و غیرمکتوبی را به خود اختصاص داده است. آثار نگارشی مربوط به امام صادق (علیه السلام) در دو گونه منشور و منظوم، مفقود و موجود در دو محور تک‌نگاری و جمع‌نگاری و در قالب کتاب، پایان‌نامه، مقاله و یادداشت از سوی مسلمانان، شیعیان و خاورپژوهان قابل مطالعه است.

فراوانی این آثار، سبب پیدایش کتاب‌شناسی‌های متعددی در سال‌های اخیر شده و در این نوشتار، معرفی آنها جایگزین معرفی تک‌تک آثار گردید؛ زیرا فهرست کردن حتی اسامی آنها بیش از یک جلد می‌شود. همان‌گونه که این شیوه در بیان اخبار معجزات نیز به کار گرفته شد و اختصار در پیوند با حجم بالای معجزات سبب گونه‌شناسی آنها و قرارگرفتن معجزات همسو ذیل یک نمایه گردید؛ زیرا بیان یکایک معجزات نیز فراتر از یک جلد می‌شود. اما کتاب‌شناسی‌های مربوط به امام صادق (علیه السلام) به شرح ذیل است:

عبدالجبار رفاعی (زاده ۱۳۳۲ ش) از عراقیان کوچیده به حوزه علمیه قم، کتاب معجم ما کتب عن الرسول (صلی الله علیه و آله) و اهل بیته (علیهم‌السلام) را در ۱۱ جلد با ۲۹۷۹۴ اثر شامل کتاب، مقاله و پایان‌نامه نگاشته و جلد هشتم آن را به ۳۲۸ اثر درباره امام صادق (علیه السلام) یا منسوب به خود آن حضرت، به زبان‌های مختلف، از جمله، عربی، فارسی، کردی و اردو اختصاص داده است. آثار مربوطه از صفحه ۲۸۱ تا ۳۶۱ و از شماره ۲۰۸۱۸ تا ۲۱۱۴۶ به ترتیب حروف الفبا فهرست شده و در آن به نام کتاب، نام مؤلف، بیان منسوب بودن یا نبودن کتاب، بیان منبع مورد استفاده مؤلف و ذکر مشخصات نشر کتاب‌های معاصر بسنده شده است.

ناصرالدین انصاری قمی، کتاب‌شناسی امام صادق (علیه السلام) را مشتمل بر کتاب‌های چاپی عربی و فارسی تدوین کرد و بوستان کتاب آن را در یک جلد منتشر نمود. این کتاب محدود به آثار مستقل درباره امام صادق (علیه السلام) است و کتاب‌های مجموعی، پایان‌نامه‌ها و مقالات را شامل نمی‌شود؛ گویا این اثر برگرفته از کتاب کتاب‌شناسی اهل بیت (علیهم السلام) باشد که مؤلف آن را در ۵۶۸ صفحه تدوین کرده و ۱۶۹ کتاب درباره امام صادق (علیه السلام) را به اجمال معرفی نموده است. بوستان کتاب این اثر را در سال ۱۳۸۸ ش منتشر کرده است.

محمد حقی خوانساری با اهتمام کتابخانه تخصصی امام صادق (علیه السلام)<sup>۱</sup> کتاب‌شناسی توصیفی امام صادق (علیه السلام) را بدون تحلیل در دو جلد تدوین کرد تا ضمن بیان خلأهای تحقیقاتی، از پژوهش‌های تکراری و موازی پرهیز دهد. جلد نخست این اثر در ۴۸۰ صفحه به کتاب‌های چاپی و جلد دوم آن در ۳۹۳ صفحه به پایان‌نامه‌ها اختصاص یافته و انتشارات مجمع ذخائر اسلامی هر دو جلد را در سال ۱۳۹۶ با مقدمه آیت‌الله رضا استادی منتشر کرده است. این اثر محدود به آثار موجود در کتابخانه تخصصی امام صادق (علیه السلام) است و آثار غیرمکتوب، مکتوب خطی و مفقود و نیز مقالات را شامل نمی‌شود.

هم‌زمان و هم‌راستا با اثر پیشین، بنیاد دارالحکمة کانادا نیز دانشنامه حضرت امام صادق (علیه السلام) را منتشر کرده است که جلدهای ۱۱ تا ۱۶ آن به مأخذشناسی وصفی با هدف ایجاد گردآوری اطلاعات جامع در حوزه معارف امام صادق (علیه السلام) پرداخته است. این مأخذشناسی با مدیریت محمدمهدی شهرستانی، آثار مکتوب را تا سال ۱۳۹۴ ش با بیش از سه هزار اثر به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، ترکی و اردو به ترتیب حروف الفبا معرفی کرده و انتشارات میراث شرق آن را در ۱۴۴۲ صفحه در سال ۱۳۹۶ ش منتشر کرده است. محورهای این مأخذشناسی به شرح ذیل است:

---

۱. کتابخانه تخصصی امام صادق (علیه السلام) در سال ۱۳۹۱ ش به پیشنهاد آیت‌الله استادی از سوی بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (علیه السلام) با هدف گردآوری هرآنچه درباره امام صادق (علیه السلام) و با موضوع امام صادق (علیه السلام) است، ایجاد شد. هریک از آثار این کتابخانه و نیز کتاب‌های وصف شده در کتاب‌شناسی، بدون محدودیت زبانی، مذهبی و جغرافیایی، یا به‌تمامه یا بخش قابل‌اعتنایی از آن مرتبط با موضوع امام صادق (علیه السلام) است؛ از این رو، کتاب‌هایی که بخشی از آن درباره امام صادق (علیه السلام) باشد، مانند کتب با موضوع چهارده معصوم (علیهم السلام)، نه در کتابخانه جمع‌آوری شده و نه در کتاب‌شناسی آمده است (حقی خوانساری، کتاب‌شناسی توصیفی امام صادق (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲-۵ از مقدمه کتاب).

– کتاب‌شناسی با تعداد ۹۸۲ عنوان کتاب فارسی و عربی و ۷۲ عنوان کتاب لاتین. این کتاب‌ها مستقل و برخی مشتمل بر مطالبی با کلیدواژه «امام صادق (علیه السلام)» است؛  
– مقاله‌شناسی با تعداد ۶۹۲ مقاله از روزنامه‌ها و ۱۰۱۸ عنوان مقاله از نشریات با کلیدواژه «امام صادق (علیه السلام)»؛

– معرفی پایان‌نامه‌ها با تعداد ۳۸۰ عنوان پایان‌نامه به سامان رسیده با کلیدواژه «امام صادق (علیه السلام)».<sup>۱</sup>

نیره خداداد شهری فهرستی از آثار فارسی را درباره امام صادق (علیه السلام) در سه بخش عمومی، کودکان و نوجوانان و پایان‌نامه‌ها در محدوده آثار ثبت‌شده در کتابخانه ملی با نام کتاب‌شناسی امام صادق (علیه السلام) تدوین کرده و حقی خوانساری از آن در کتاب‌شناسی توصیفی خود بهره برده است. کتاب‌شناسی تاریخ و سبک زندگی امام صادق (علیه السلام) نیز مقاله‌نگاشته مجید نبوی و زهرا ابراهیمی در سال ۱۳۹۵ ش برای همایش علمی-پژوهشی سبک زندگی است. حسن اکبری نیز فهرست‌گونه‌ای از پایان‌نامه مرتبط با موضوع امام صادق (علیه السلام) را در مقاله‌ای به نام «نگاهی به پایان‌نامه‌ها با محوریت قرآن و امام صادق (علیه السلام)» در مجله بینات، ش ۷۶، سال ۱۳۹۱ ش منتشر کرده است.

در سال ۱۳۸۰ ش نیز همایش «امام جعفر صادق (علیه السلام) و تجدید حیات اسلام» برگزار شد و مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) مجموعه مقالات آن همایش را با همان نام در سال ۱۳۸۲ ش منتشر کرده است.

با این حال، تحلیل آثار مکتوب درباره امام صادق (علیه السلام) به لحاظ موضوع، روش، رویکرد، نتایج و دستاوردها و حتی تحلیل آماری آثار فراتر از موضوع این نوشتار بوده و نیازمند نگارشی مستقل در فرصت دیگر است.

در این میان، از چند اثر هم‌زمان، مستقل و مشهور یاد می‌شود، به این دلیل که مورد استناد و ارجاع برخی مؤلفان پسینی قرار گرفته است.

الف) محمدبن احمدبن مصطفی (م. ۱۳۹۵/ق ۱۳۵۴ ش) معروف به ابوزهره، فقیه حنفی مذهب و تاریخ‌نگار مشهور مصری با رویکرد وحدت اسلامی، مؤلف بیش از چهل اثر

---

۱. محققان بنیاد علمی-فرهنگی دارالحکمة کانادا، دانشنامه حضرت امام صادق (علیه السلام)، میراث شرق، مقدمه.